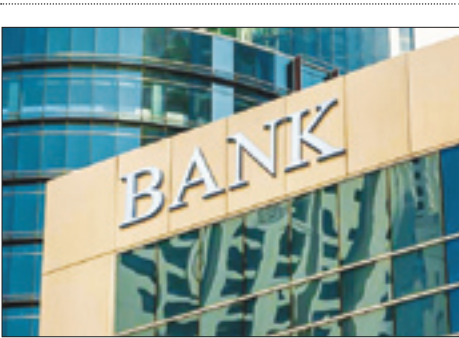
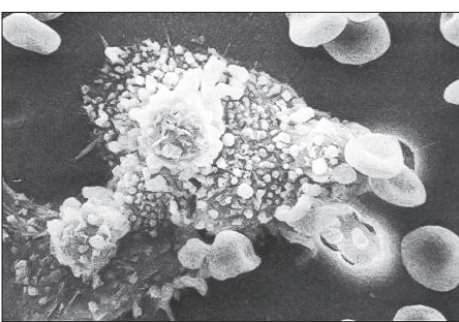


این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمندان شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



درد خدا بر این مرد

علیرضا فروزه در تئوتیتی نوشت:
درد خدا به مردی که هنوز از خودش خانه ندارد و فرش خانه‌اش ۴۰ سال است عوض نشده و شام شیش مثل شام مردم متوسط جامعه ساده است و با ۸۳ سال سن روزی ۱۶ ساعت کار می‌کند و بیشترین تهمت‌ها را تحمل می‌کند.
درد خدا بر او باد.



گایران

دوشنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۱ | ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ | روزنامه جوان | شماره ۶۶۲۹

کاربران میهن‌دوست شبکه‌های اجتماعی برای تیم‌ملی آرزوی پیروزی کردند

یک ایران، هوادار تونه

امروز در حالی نخستین بازی ایران در جام جهانی آغاز می‌شود که دشمنان وطن در پی تخریب روحیه بازیکنان ایرانی با عملیات‌های رسانه‌ای هستند. منافقین با کمپین‌های توئیتری و مجازی آرزوی باخت تیم ایران را دارند، این در حالی است که کاربران

سیدعطاالله مهاجرانی:

تیم‌ملی در هر رشته به ویژه در فوتبال و بالخصوص در جام‌جهانی در این روزها، عالی‌ترین و باشکوه‌ترین نماد وحدت ملی ایران است. بازیکنان و ستارهای درخشانی از اقوام مختلف ایرانی، فارس، ترک، کرد و ترکمن... شیعه و سنی در یک تیم و با یک پرچم به میدان می‌روند. دشمن تیم‌ملی، دشمن ملت است!

علی‌اکبر رائفی‌پور:

ما به تیم‌ملی‌مان افتخار می‌کنیم. آنها اصالت، شرافت، غیرت، تکنیک و پشتکار ایرانی را به رخ جهانیان خواهند کشید. به سخنان دو گروه ضد فوتبال‌ها و تجزیه‌طلبان توجه نکنید، هر چند صدایشان بلند باشد. مردم ایران که اکثریت جمعیت هستند باשמایند و قلب‌شان برای نمایندگان کشورمان می‌تپد.

محمدعلی ابطحی:

جام‌جهانی! خدا کند بازیکنان ایرانی پیروزی هم داشته باشند. فوتبالیست، سیاستمدار نیست. بازیکن خوبی باید باشد. باید مثل همه دنیا حامی تیم ملی فوتبال کشورمان باشیم و روحیه بدهیم. مگر می‌شود تندترین اپوزیسیون یاافراطی‌ترین طرفدار حکومت از گل‌زنی تیم‌ملی به هوا نجهد؟ #جام_جهانی

محمد جماعت:

هواداران واقعی تیم‌ملی از نقاط مختلف جهان خود را به قطر رسانده‌اند تا شاهد درخشش ملی‌پوشان کشور باشند.

میلیون‌ها ایرانی منتظر و دعاگوی موفقیت تیم‌ملی کشورمان هستند. یابنده باد ایران و ایرانی که دل در گرو این مرز و بوم دارند. #جام_جهانی #تیم_ملی_فوتبیل

حسین بلوچ:

در حمایت از تیم ملی فوتبال ایران، شیعه و سنی همه در کنار هم بسیج می‌شویم. برای ایران ما همه با همیم.

کاربری با نام «لیلی»:

به کوری چشم خائنن به وطن ما ملت پشت تیم ملی‌مان ایستاده‌ایم و به‌رغم نتیجه‌بازی برنده این میدان ایران خواهند بود و بس! تا دنیا دنیاست این پرچم بالااست.

#تیم_ملی_فوتبال_ایران

م. قنوتی:

خیلی سخته جلوی این همه ار تش تخریب ایران، فقط به وطن فکر کنی... تک تکتکن قهرمانین برای ایران و برای ما.

تکتم بخشی:

یه ایران، هوادار تونه...

زهرا زینبی:

دعای مادری که سه فرزندش را برای ایران داد بدرقه راه‌تان! برای ایران بجنگید! تا پای جان!

اعظم‌سادات سیدمومنی:

در مستطیل سبز با تن پوشی سپید،

جنگنده‌باش و سرخ، لبریز از امید...

مصطفی نیایی:

دعای یک ملت پشت شماست. بدون ترس و حاشیه برای ایران بازی کنید.

کاربری با نام «گلدسته»:

می‌دونید چرا عده‌ای دنبال تضعیف و وطن‌رو در این موقعیت حساس کنونی بدگویی از تیم‌ملی هستند؟ تیم ملی پادزر همان تجزیه‌طلبی است که اینترنشنال به دنبال آن است و باطل سحر کسانی است که می‌خواهند تکه‌های ایران را مقابل هم بگذارند.

حسنا رفیعی:

به امید موفقیت تیم ملی ایرانمون.

بری فرخی:

کل ایران متحد برای ایران است و لبخند قهرمانان آرامش‌بخش و امیدبخش.

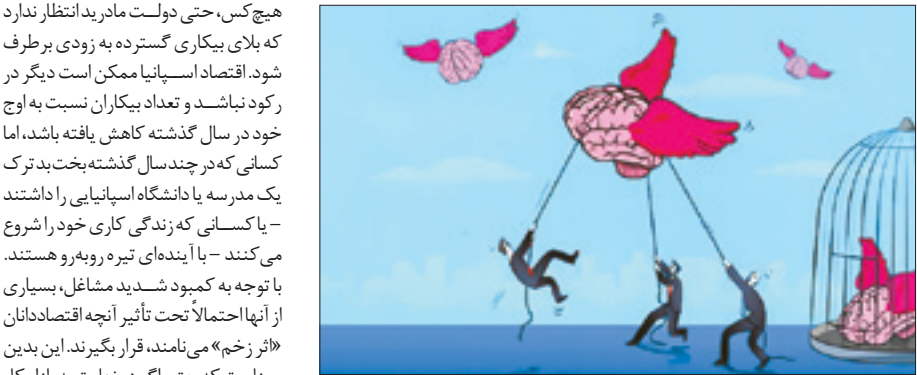
محسن غدیری:

بچه‌های تیم‌ملی ایران الان حکم سربازان وطن‌رو در این موقعیت حساس کنونی دارن، فارغ از هر گونه انتقادها و هر طیف سیاسی باید پشتیبان این غیور مردان باشیم و از حاشیه‌ها پرهیز کنیم!

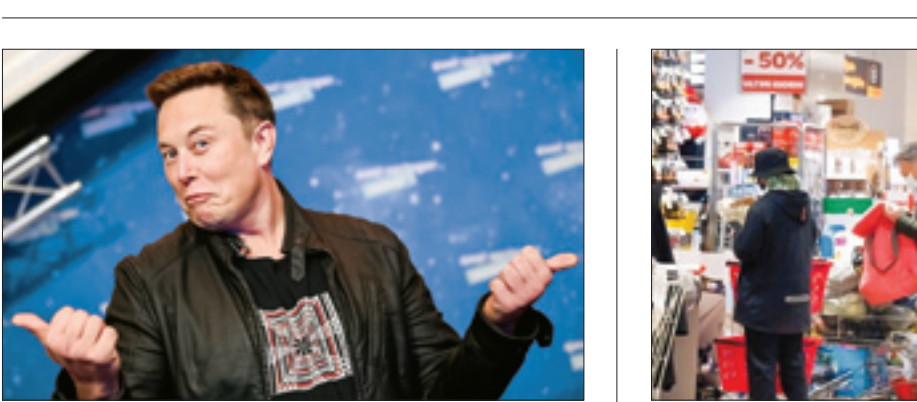
یونس رضایی:

هر اعتقادی داشته باشی ذات ایرانی‌ت رو نمیتونی عوض کنی... هوادار ایرانی‌ت ما پای جان برای ایران.

فرار مغزهای درون قاره‌ای اروپا



این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. از زمان وقوع بحران مالی اروپا در سال ۲۰۰۸، زندگی جوانان اسپانیایی به حالت تعلیق درآمده و بیکاری جوانان ۵۵ درصد است – این کشور در اتحادیه اروپا پس از یونان دوم است- و تقریباً نیمی از افراد زیر ۳۰ سال هنوز با والدین خود زندگی می‌کنند. در بخش خدمات، بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، ۲۰۰ هزار کارگر جوان یک نفر شغل خود را از دست داد. در صنعت، نیمی از کارگران ۲۰ تا ۲۹ ساله اخراج شدند و در ساخت‌وساز نیز



درس‌های تازه ماسک در توئیتر

مهدی خراطیان در توئیت نوشت: اختلافات داخلی توئیتر بین ماسک و کارکنانش علاوه بر ابعاد مدیریتی دارای ابعاد سیاسی نیز بوده و امتداد دعوای جناح دم‌کرات و جمهوریخواه سلیکون‌ولی است. ماسک بارها از فشارهای بیرونی بر خود (مثل بوزین short گیتس روی تسلا و اختلافات با SEC) گله کرده بود. حال همان‌ها به داخل کشیده شده است.

کارکرد رسانه‌های مثلاً وطن پرست!

مصطفی علجان زاده نوشت: در دو ماه گذشته رسانه‌های سعودی – انگلیسی که مدعی وطن‌پرستی هستند، فعالیت گسترده‌ای داشته‌اند که مهم‌ترین نتایج آن عبارتند از: (۱) تشویق مردم برای تخریب اموال عمومی؛ (۲) ترغیب و آموزش مردم برای قتل و عام نیروهای حافظ امنیت؛ (۳) آموزش ساخت‌انواع سلاح و بمب‌های دست‌ساز؛ (۴) نسبت دادن کشتار مردم بیگناه به نظام؛ (۵) ایجاد کمپین‌های مختلف برای تحریم‌های اقتصادی و ورزشی؛ (۶) تبلیغ و حمایت از تجزیه ایران؛ (۷) ارائه تصویر خشن و دیکتاتورگونه از جمهوری اسلامی؛ (۸) پیگیری و همراهی در صدور قطعنامه‌های حقوق بشری و هسته‌ای علیه ایران در مجامع بین‌المللی؛ (۹) فحاشسازی و جلوگیری از اجرای احکام قضایی علیه جنایتکاران و اغتشاشگران؛ (۱۰) راه‌اندازی کمپین‌های مجازی و حقوق بشری برای تشدید تحریم‌های اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای علیه ایران به بهانه اجرای احکام شرعی و قانونی برای قاتلان و مفسدان. در واقع نتیجه فعالیت‌های این رسانه‌ها، مدیریت جنگ جهانی رسانه‌ای با هدف نابودی ایران می‌باشد.

انتظارات عملکردی

در سازمان خصوصی و دولتی

حجت مشتاقیان در کانال تلگرامی خود نوشت: ۱۵ سال قبل از استخدام در یک سازمان دولتی، یک‌سال در یک سازمان خصوصی کار کردم. تجربه ارزشمندی بود. اونجا یک ماه از شروع کارم نگذشته بود که از من خواستند مدلی برای مدیریت عملکرد کارکنان تدوین کنم؛ من هم مدلی نوشتم هر چند به خاطر موانع ذاتی مدیریت عملکرد اجرایی نشد. بعد از یک‌سال از اونجا آمدم بیرون و در یک سازمان دولتی استخدام شدم. ۱۴ سال طول کشید تا در کار گروهی بتونم مدلی طراحی کنم؛ برای بهبود رهبری. چر؟

(۱) انتظارات سازمان دولتی از شما خیلی کمه. همین که حضور داشته باشی و نامه‌ها ت رو پیگیری کنی، کافیه. قرفی هم بین عملکرد خوب و بد نیست. کسی هم بیخودی بر خودش زحمت اضافی درست نمی‌کنه.

(۲) سلسله مراتب در سازمان دولتی گاهی مانع عملکرد میشه. در سازمان دولتی صرفاً عملکردی مورد تأیید هست که منافع و جایگاه سلسله مراتب حفظ بشه، عملکرد سازمانی در رده بعدی اهمیت است.

(۳) بروکراسی ناکارآمد در سازمان دولتی واحدهای مرتبط رو کاملاً مجزا کرده و دیدگاه جزیره‌ای حاکم است. سازمان دولتی براساس چارت بودجه می‌گیره نه براساس عملکرد. حقوق هم براساس حضور در سازمان است نه شایستگی و عملکرد.

در کل سازمان‌های دولتی اگه می‌خوان کارآمدتر باشن باید مقداری به سمت ارزش‌های سازمان خصوصی حرکت کنند. راهی جز این نیست. انجمن‌های خبرگی راهی هست برای غلبه بر این موانع.

نمایی از آخرین وقایع اخیر

عزیز غضنفری نوشت: خشونت و ترورهای کور در روزهای گذشته به اوج خود رسیده و شرایط جاری کشور برای همگان مخصوصاً برای دلسوزان ایران و انقلاب به سختی و دشواری در حال سپری شدن است، اما اجازه دهید طور دیگری به موضوع نگاه کنیم. اکثریت قاطع

مردم ایران به‌رغم تنگنایهای معیشتی و اقتصادی در هیچ کدام از مراحل آشوب‌های اخیر با اغتشاشگران همراهی نکرده‌اند، چراکه جنس و ماهیت حوادث اخیر هیچ ارتباطی به مطالبات اقتصادی و نظایر آن ندارد.

در وقایع رخدادها، رادیکالیسم معمولاً و بلکه در بیشتر اوقات در انتهای یک فرآیند عمل می‌کند، بنابراین صورت‌بندی وقایع اخیر گویای آن است که پروژه تجزیه ایران از طریق جنگ داخلی و قرار دادن مردم در مقابل یکدیگر به نقطه پایانی و شکست کامل نزدیک شده است. اتاق فکر دشمنان ایران می‌خواهند با خشونت بیشتر «روایتی خونین» را بین مردم و در درون کشور طراحی و اجرایی سازند. اینجا دقیقاً نقطه ارمانی و آرزوی بزرگ دشمنان ایران به حساب می‌آید. اساساً همه برنامه‌ریزی‌ها برای ایجاد چنین فضایی در جامعه است. در این میانه بخش امنیتی با هوشمندی در حال مدیریت صحنه و جلوگیری از تحقق این خواست خطرناک دشمن است.

آنچه اهمیت اساسی دارد، آن است که خط تقابل نباید در داخل و بین مردم ایران عملیاتی شود و باید با ارائه نشانه‌هایی که این روزها تعداد آن نیز کم نیست، افکار عمومی را به فراماندھی اتاق آشوب در خارج از کشور متوجه ساخت. ترورهای کور روزهای گذشته، اما تصور و درک مردم را نسبت به ماهیت حقیقی وقایع اخیر دقیق‌تر و واقعی‌تر کرده است. با ایجاد و فراگیری چنین درک اجتماعی این مقطع می‌تواند نقطه بر‌خورد اساسی باخ تخریب و تجزیه ایران، طراحان، مجریان داخلی و خارجی آن نیز باشد.

نگاهی به کتاب «فوتبال علیه دشمن»

کانال «درس‌ه تاریخ‌اندیشی قصص» نوشت: سایمون کوپر، نویسنده مطرح فوتبالی کتابی دارد با نام «فوتبال علیه دشمن». این کتاب را عادل فردوسی‌پور در سال ۸۸، سال بلوا و فتنه ترجمه کرد، آن هم در شرایطی که به گفته خودش افسردگی ناشی از دور بودن از فوتبال رفق او را گرفته بود. کوپر در این کتاب از فوتبالی سخن می‌گوید که روزگاری جدال‌ها، جنگ‌ها، سبزه‌ها، مخالفت‌ها و هر گونه دو قطبی مذهبی، سیاسی، ملی، نژادی و تاریخی را همچون لوله جاروبرقی به درون خود می‌کشید؛ یعنی زمانی که شما به تماشای فوتبال سلتیک و رنجرز یا اینتر و میلان یا بارسلونا و رئال می‌نشستید، امتداد جنگی در بیرون آن مستطیل سبز را میان دو

گروهان ۱۱ نفره آدم می‌دیدید که واقعاً نبرد بود، اما آنها ظاهرآ بر سر مالکیت توپ و میدان می‌جنگیدند و برای فتح یک دروازه گل می‌زدند و برای دفاع از دروازه دیگر صف می‌کشیدند. آن روز کار دوام چندانی نداشت و شمع آتش آن نوع درگیری‌ها آرام‌آرام در خود فروچکید و تمام شد. حالا در زمانه‌ای هستیم که فوتبال خودش تعیین کننده دو قطبی‌هاست. با این تفاوت که نزاع‌های بیرونی به درون آن کشیده نمی‌شوند، بلکه نزاع‌های فوتبالی به جهان بیرون سرایت می‌کنند. دو قطبی‌های قرمز و آبی (اصطلاحاً)، حالا جای دو قطبی‌های کاتولیک و پروتستان، کارگر و سرمایه‌دار، پروتلایا و بورژوا، ملیت‌گرا و تجزیه‌طلب ... نشسته است و آدم‌های در زمین و روی سکوها، انگیزه‌ای جز جدال بر سر توپ ندارند و البته این جدال میان همان خطوط سفید دور تا دور زمین می‌ماند. مثلاً کوپر در کتابش از یک هوادار دو آتشه سلتیکی (تیمی سابقاً با مشخصه کاتولیکی) یاد می‌کند که شدت عشقش او را واداشته بود. نام بازیکنان سلتیک را روی فرزندانش بگذارد و روی سکوها متعصبانه شعار بدهد و فریاد بکشد، اما همین آدم بی توجه به نزاع‌های فرقه‌ای با آنکه کاتولیک بود با زنی پروتستان (مذهب تیم رنجرز) زیر یک سقف زندگی می‌کرد، یا یعنی جدال سلتیک رنجرز، دیگری جدالی مذهبی نبود و فوتبال همه آن تعصبات فرقه‌ای را به تعصبات فوتبالی مبدل کرد که این تعصبات جدید بسیار کم‌خطرتر و البته محدودتر بودند.

اینجاست که باید این عبارت و عنوان را به کار برد: «فوتبال علیه دشمن». در واقع ما با چهره‌ای از یک ورزش جمعی مواجه هستیم که به‌رغم رد و خوردهای مدی و داد و قال‌های حاشیه‌ای و شعارهای سکویی، دشمنی‌ها را کاهش داده و دیگر مسابقه میان هلند و آلمان، جنگ دو ملت و چنگ و دندان نشان دادن دو ملیت نیست؛ چنانچه جدال میان بارسلونا و رئال مادرید، جنگ تجزیه‌طلبان با سلطنت‌طلبان به شمار نمی‌رود.

